

● نگاهی به حقوق زن در اسلام و دیگر مکاتب

تا آنجا که آثارشان می دهد، نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند. و برای آنکه بتوانیم درباره حقوق این نیمه افراد بشر دوری صحیحی داشته باشیم، بیاید ابتدا امر واقعیت طبیعی و پس از آن اجتماعی اورا بشناسیم و از آنجا که برای ما شناخت همه ابعاد مختلف زن امکان پذیر نیست. لذا به طور اجمال به زوایایی از حقوق او از دیدگاه مکاتب غیر اسلامی و مکتب اسلام می پردازیم که در سه بخش ارائه می شود:

- ۱- تاریخچه اعطای حقوق زن
- ۲- مقام و محیضت زن از دیدگاه اسلام در دو نقطه حاکم بر سیاست و جامعه شرق و غرب.
- ۳- ارائه آماري زنانه و گویا که نتیجه عملی این دیدگاههاست.

۱- تاریخچه اعطای حقوق زن:
تاریخ نشان می دهد که در طول زمان اقوام و ملل مختلف به زن ظلم کرده، نظریاتی در مورد او ابراز داشته اند که نه در شأن اوست و نه منطبق با سرشت او.

(این مقاله، بنا به درخواست وزارت امور خارجه نگاشته شده و به هفت زبان ترجمه گردیده است.)

در این رابطه گاه تا آنجا پیش رفته اند که حتی در اینکه زن دارای روح باشد نیز به تردید سخن گفته اند و همین بوده اند گروهها و جوامعی که از روی دلسوزی و ندامتکاری، آزادی بی حد و حصری به او بخشیده، طبیعت و فطرت او را نادیده گرفته اند. اما از آنجا که حقوق، امتیازاتی است که ملاک صحت آن، مطابقت داشتن با خلقت و فطرت است، لذا در هنگام وضع هرگونه امتیاز و حقوقی، لازم است به واقعیات غیر قابل انکار و مقضیات جسمی و روحی و سرشت روانی انسان توجه تام مبذول داشت. «ویل دورانت» می نویسد: «برابری زن و مرد غیرممکن است، زیرا میان این دو نزیاع ابدی است و کوشش در برابری زن و مرد خطرناک است.»^(۱) ویا دکتر کارل می گوید: «قوانین فیزیولوژی زن و مرد مانند نظام اختران و کرات ثابت و ستار غیرقابل تغییر است.»^(۲)

منظور این است که باید ابعاد وجود زنان شناخته شود، آنگاه متناسب با این ابعاد، به آنها امتیاز داده شود. به طور کلی، تفاوت‌های اساسی که دانشمندان علوم

طبیعی و روانی میان زن و مرد قایلند، گونه‌های مختلف امتیاز را بین آن دو لازم می‌دارد که اگر جز این باشد، یا حاکی از بی‌خبری است یا نشانگر ریاکاری، حال این سؤال مطرح می‌شود که در غرب و شرق، مباحی حقوقی زن چیست و این حقوق بر چه اساس صورت می‌پذیرد؟ برای جواب، لازم است به نحوه شکل‌گیری حقوق زن، اول در اروپای جدید و کمونیسم شرق اشاره شود و سپس حقوق زن از دیدگاه قرآن مورد ارزیابی قرار گیرد. در اروپای جدید، پس از انقلاب صنعتی، سرمایه‌داران برای بیلست آوردن نیروی کارگر با حقوق کمتر، مسئله مالکیت زن را برای اولین بار در دنیای غرب مورد بحث قرار دادند، زیرا تا حدود یکصد سال قبل، یعنی سال ۱۸۸۲ میلادی، در اروپا زن مالک کار خویش نبود و اصلاً مالکیتی برای او نمی‌شناختند.

در سال ۱۸۷۰ مصوبه‌ای از مجلس انگلستان گذشت که چندان مفید فایده نبود. به همین خاطر، کارخانه‌داران طرحی به پارلمان انگلیس دادند که بر مبنای آن، زن مالک کار خود شناخته شود، و این واقعا

یک انقلاب بود. زیرا تا آن زمان، زنان نه مالک ثروت خود بودند و نه حق خرید و فروش و تصرف در سرمایه خود و نه حق وصیت داشتند. تمام این امور در دست پدران، شوهران و پسران آنها بود. «ویل دورانت» که متفکری غربی است، می‌گوید: «کارخانه‌داران نه به خاطر دفاع از زن، بلکه بخاطر کارگر ارزان، اقدام به چنین کاری کردند.» در هر حال، مقدمات نهفت و تلاش زنان اروپا برای بستن آوردن دستمزد مساوی و دیگر امتیازاتی که از آن بی بهره بودند بوجود آمد تا بالاخره در سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را که مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده بود، تصویب کرد که یکی از آن مواد، تساوی حقوق زن و مرد بود که در این مورد گروهی با تحلیلهای علمی و فلسفی، به نقد این منشور پرداختند، و اصولاً آن را غیر منطبق با واقعیات و مطابق دید ایده آلیستی یافتند و گروهی هم به حمایت همه جانبه از زن برخاستند.

اما در کشورهای شرقی: «مارکس» و «انگلس» که مدعی رهایی زن از ترس خانواده بودند، مکتبی نو پایه‌گذاری کردند که بر مبنای آن، پدیده‌های اجتماعی با علت اند و زیرساخت، و یا معلول اند و رو بنا؛ و از آن جمله، خانواده یک نهاد رو بنایی است، که بر روابط اقتصادی استوار است. آقای «لنین» که از وی به عنوان بزرگترین متفکر عصر و بنا پیشوای انقلاب کبیر و بنا بنیانگذار دولت سوسیالیستی یاد می‌شود، می‌گوید:

«مهمترین گام، لغو مالکیت خصوصی بر زمین، کارخانه، و کارگاه است. از این طریق و فقط از این طریق، راه برای آزادی کامل و واقعی زن و رهایی او از بردگی خانگی و تبدیل اقتصاد کوچک انفرادی به اقتصاد بزرگ اجتماعی، هموار می‌شود. زن تا زمانی که گرفتار اقتصاد کوچک خانواده و بچه است، بی مقدار، خرافت، و خوار است؛ و چون باید در کارخانه باشد و نمی‌تواند دو جا باشد، لذا باید خانواده را رها کند.» و باز در جای دیگر می‌گوید:

«زن علی‌رغم تمام قوانین رهایی بخش، هنوز هم

* تا یکصد سال قبل در اروپا
زن مالک کار خویش نبود و
اصلاً مالکیتی را برای او به
رسمیت نمی‌شناختند.

* از دید لنین نگهداری و
حفاظت از کودکان برای زن
لقب «برده خانگی» و «کنیز
مطبخی» به همراه می‌آورد،
اما کار در کارخانه و زیر دست
کارفرمای احياناً خشن، آزادی
کامل و... محسوب می‌شود.

همچنان کنیز خانگی است، زیرا گرفتاریهای مطبخ و بچه داری فاقد بهره دهی است.»^(۴)
جای تعجب است که نگهداری و حفاظت از کودکان برای زن لقب «برده خانگی» و «کنیز مطبخی» به همراه می آورد، اما کار در کارخانه و زبردست کارفرمای احیائاً خشن، آزادی کامل و...!
لذا به همین خاطر، بسیاری از فلاسفه معاصر و متفکرین انگلیسی، از جمله هارولد لاسکی، برتراند

راسل، آرتولد توین بی ویا از دانشمندان آمریکایی کسانی مانند ویلیام جیمز و والتر لیپمن، مکتب کمونیستی و رژیم دمکراسی را افراطی دانسته، مبانی فلسفه اصالت جمع و اصالت فرد را سخت مورد تنکوش قرار داده اند، که به جای توجه و عنایت به موجودیت زن، او را چون ابزار دانسته و بجای تبعیت از مکتب رئالیسم، به ایده آلیسم توجه بیشتر مبذول داشته اند.^(۵)

۲- مقام و موقعیت زن در غرب و شرق:

نظام سرمایه داری زن را وسیله ای در استخدام اهداف اقتصادی و اجتماعی خود قرار داده است. در این نظام، زن یک کالای اقتصادی است که به میزان جاذبه جنسی اش ارزش پیدا می کند.

در این نظام، زن در عدم امنیت بسر می برد. عدم امنیت و آرامشی که مبلتین کالاها و کارتلت ها و تراست ها برای او ایجاد کرده اند. در نتیجه، او همواره در ترس از دست دادن این جاذبه است. رادیو، تلویزیون، مجلات پر زرق و برق، نوع بخصوصی از آزادی را عرضه می دارند. هر روز زنان هنر پیشه و مانکن را به عنوان الگو به جوامع معرفی می کنند. در این نظام زن حتی خود کالا نیست، بلکه فقط به تبع مقدار کالای بفروش رفته، ارزش می گیرد.^(۶)

زن در جامعه کمونیستی:

تقای «انگلس» در کتاب «منشاء خانواده» می گوید: «شرکت زن در صنایع عمومی ایجاد می کند که خانواده الفاشود و بچه هانیز به عهده جامعه گذارده

شوند. جامعه وظیفه دارد مکانهای عمومی برای پرورش کودکان—چه مشروع چه نامشروع، به طور یکسان—در نظر گیرد تا دختران جوان بدون نگرانی، هرگاه بخواهند، خود را تسلیم هر مردی نمایند. عفت، ارزش نخواهد بود که دختران جوان را نگران کند.»^(۷) «لونا چارسکی» می گوید: «مالکیت وسایل تولید مثل نیز باید مانند وسایل تولید، ملی شود.»^(۸) نوخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

زن در جهان بینی اسلام:

از آنجا که جهان بینی اسلامی یک نگرش و بینش کلی نسبت به کل جهان هستی است. و از طرفی این نگرش، نه مبتنی بر علم تجربی و محدود و نه فلسفی و صرفاً انتزاعی و نه طبقاتی و گروهی، که هر یک شاید بتوانند محدوده ای را روشنتر باشند، بلکه جهان بینی اسلامی نگرشی است مبتنی بر مذهب که خالق هستی تبیین کننده آنتست، موجود مقدسی که بر زوایای وجودی انسان و دیگر موجودات و روابط آنها اشراف و وقوف کامل دارد و از آنجا که تدوین و تبیین قوانین احسن برای هر موجود و از آن میان زن، نیازمند به شناخت طبیعت زن و فطرت انسانیست است و نیز داشتن معرفت به ویژگیهای روانشناختی او بدور از هر نوع دوریهای غیرعالمانه و متحصصانه و غیر منطقی اما مرتبط با همه اجزاء کل آفرینش از آنت جمله مردان می باشند. لذا برای مکاتب غیر الهی عملاً ارائه قوانین جامع و کامل و مطابق با فطرت و نیازهای انسانی ناممکن است.

اما در اسلام بررسی دقیق و جامعی در مورد حقوق فردی و اجتماعی و حیثیت اجتماعی و انسانی و فطری زنان صورت گرفته است. و بر آن اساس دستورالعملهایی برایش مقرر گشته است. و چنین بوده است که پس از پیدایش اسلام ملتی احکامی ارزش های انسانی مورد قبول تاریخ به زن اعطا می گردد. و این مسأله بصورت یک تحول و انقلاب اساسی و بنیادین در جهان به حساب می آید و این بدانجهت است که چنان تفکر و



دیدگاه باور نداشتنی آنها در ۱۴۰۰ سال پیش در عهد
 تعصبات گروهی و فردی و جهالت‌های قومی و قبیله‌ای
 معجزه‌ای بود که صورت گرفته است. اگر چه
 کوششهایی جهت رهایی زن از انواع قیدهایی که
 دو قشر روشنفکران و متحجران بر دست و پا و روح و
 روان او زده بودند در اسلام صورت گرفته است اما
 همواره آراه و نظریات استعماری با اسلام در تضاد و
 کشمکش بوده است. و در برهه‌هایی زن مسلمان در اثر
 عوامل مختلف دستخوش مشکلات بسیار بصری بوده
 است و لذا فرصت‌هایی که برای تغییرات اساسی و
 عملی در اسلام پیش می‌آمده غالباً نه به اصلاح و اجراء
 که به مقابله و مواجهه با آن آراه گذشته است. نهایت
 سرقرائی است که نظرات و احکام اسلام درباره زن و
 روش عملی آن توسط پیامبر(ص) در دوران صدر اسلام
 مجدداً عالمانه و آگاهانه توسط بنیانگذار جمهوری
 اسلامی ایران حضرت امام سلام الله علیه مورد توجیه قرار

پژوهشگاه علوم انسانی
 رتال جامع علوم

* در نظام سرمایه داری زن
 حتی کالا هم نیست بلکه
 فقط به تبع مقدار کالای به
 فروش رفته، ارزش می‌گیرد.

گرفت و در زمانی که مجموعه عوامل کوشش می‌کرد تا بنیان ارزشی و معنوی اسلامی را در ارتباط بازن مست و لرزان سازد با ارائه نظرات ناب محمدی در صدد دفاع از حریم مقدس در صحنه های مختلف برآمد و پاسدار حرمت بخصوص اجتماعی سالم زن و بنیادهای ارزشی و فرهنگی او گشت. اما بر سخنان فوق چه شاهد صدقی گویا تر از آیات قرآنی که حامل این پیامها و رسالتها و احکام است.

وقتی خداوند در خلق و آفرینش موجودی به نام انسان به خود فخر می‌کند و خویش را می‌ستاید، متظهورش موجودی است به نام انسان و نه مردونه زن، که «خلقتنا الانسان من سلالة من طين^(۸)... ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين^(۹)» یعنی بر خلق صفتی از این نوع موجود، به خود مفتخر نیست که آیه، مطلق انسان را در نظر دارد و آنگاه که از ادامه نسل چنین موجودی شریف سخن می‌راند و آن را برای قبول و پذیرش و حمل امانت الهی شایسته معرفی می‌کند ازدواج با کفو خویش و تولید نسل را توصیه می‌نماید و موجودیت و ادامه آن را نه به مرد که به هر دو منتسب می‌دارد که: «بئس منها رجالاً كثيراً و نساء^(۱۰)» و یا «انا خلقتکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً^(۱۱)» و سخن مهم آنکه در امر ازدواج صرفاً کفو و هم‌پایگی که عمده ملاک آن کفو در ایمان و عقیده ایمانی است، اصل گرفته می‌شود. هم چنانیکه می‌فرماید: «الطيبات للطيبين و الطيبون للطيبات...^(۱۲)»

و آنگاه که سخن از حقوق و اجر و پاداش عمل در دنیا و آخرت به میان می‌آید، هر دو قشر دقیقاً همپای هم از عنایات الهی بهره‌مند می‌گردند که: «انی لا اصبیح عمل عامل منکم من ذکر او انثی^(۱۳)» «و للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن^(۱۴)» که در برابر ایمان به حق و باور داشت به چنین معبودی زن و مرد مساوی و در کسب رضایت و دخول در جنت و رضوانش هر دو برابرند که: «امن عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلشحيته حيوته طيبه^(۱۵)» نیکو و مطیب زندگی و

حیاتی ارمان و هدیه به همه انسانها می‌شود و در این میان چه زن و چه مرد ره یافتگانی پیدا می‌شوند که چنین اهدائی را به غیبت می‌گیرند که بهای چنین هدیه‌ای، تقوا و خویشتر داری است و پرهیزکاری که «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» و وعده الهی در مورد آنها تحقق می‌پذیرد که: «وعدالله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها^(۱۶)» و در نقطه مقابل نیز عذاب و نوبسخ عدول و سر پیچی از ایمان به چنین معبودی و عدم اطاعتش، بیکسان به همه انسانهای نافرمان ابلاغ می‌شود و عمل می‌گردد. و در هیچ آیه‌ای ملاک دوستی خدا و مهر و لطفش و نیز قهر و غضبش بخصوصیات تکوینی انسان از جمله زن و یا مرد بودن، سفید و سیاه بودن، و یا شرقی و غربی بودن تعلق نمی‌گیرد که عمل شخص است که او را مستحق مهر یا خشم الهی می‌سازد و عمده کسب فضیلت و تقواست که امکان کسب آن برای هر دو قشر به یک اندازه وجود دارد. انسان حقیقت کلیه‌ای معرفی می‌شود که وجه تمایز و مفارقت و فصل فریب و بعید آن زن یا مرد بودن لحاظ نمی‌گردد. البته برای نظام هستی و سیر صعودی آن و نیز انجام وظایف محوله خویش هر یک از زن و مرد از جهات عوارض ظاهری و طبیعی و نه انسانی، تفاوتی در آنها چشم می‌خورد که ضروری و لازم است و نه تبعیض که قرآن دقیقاً زن و مرد را در امور اجتماعی جامعه خویش سهم می‌داند و مسئول که: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعضی بأمروهم بالمعروف و نهيهم عن المنکر...^(۱۷)» و در برابر چنین مسئولیتی خطاب برابر بر زن و مرد وارد می‌گردد که: «قل للمؤمنین و المؤمنات من ابصارهم^(۱۸)... و این سهم و اشتراک شامل امور سیاسی نیز می‌گردد که فرمان الهی برپا میرش این گونه صورت می‌گیرد که تنها مردان نیستند که حق بیعت با تورا یافته‌اند که زنان نیز همچون مردان وظیفه دارند که با تو بیعت خویش را اعلام دارند و در آیه‌ای در همین ارتباط به خوبی بیان می‌گردد که در همه امور زنان مستقل عمل

می‌کنند و از همه آنها می‌توانند به اختیار خویش صرف نظر کرده و یا زندگی سعادت‌مندانه در پیش گیرند و در سیر الی الله با کسب تقوا و ایجاد زمینه رشد و تعالی موفق باشند که «یا ایها الی اذا جاءک المؤمنات بیاپتک علی ان لا یشکرکن بالله شیئاً...»^(۱۰) و احیاناً اگر در آیات قرآنی خطایی مذكر صورت می‌پذیرد صرفاً از قبیل ضمیر غالب است که در همه زبانها متداول است و گرنه همه انسانها مورد نظر اسلام می‌باشند. همچون این آیه که:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا» که هیچکس در عام و عمومی بودن آن شک ندارد. و در دنباله مطالب فوق اشاره به این نکته لازم است که خداوند سبحان حتی در مورد حرمت گذاری فرزندان نسبت به والدین و احسان در حق آنان دقیقاً موضعی برابر اتخاذ می‌کند و به مادر و پدر به یک اندازه، از خصوصیت خاص پروردگاری اش را اعطا می‌فرماید که: «قل رب ارحمهما کما رببتانی صغیراً»^(۱۱) و یا «فلا تقل لهما اف ولا تنهر لهما و قل لهما قولاً کریماً»^(۱۲) و «بالوالدین احساناً» و «وصینا الانسان بوالدیه حسناً»^(۱۳) و در نهایت کلام اینکه در تعالیم اسلامی، مهر و محبت و نه ترحم نسبت به زنان از سیره پیامبران تلقی و شمرده می‌شود و این سخن گویاتر از آن است که توضیحی بطلبد که پیامبران رسلان و سیره عملشان ارشاد و توصیه به مهر رب غفور است که همگی به رحم و مفرطش نیازمندیم.

حقوق زنان در ایران (بعد از انقلاب اسلامی):
 زنان ایران همچو سایر اقشار جامعه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در معرض دگرگونی قرار گرفتند، که در نتیجه آن، ارزش اصیل و والای زن مسلمان آشکار شد و همواره در تمام شئون مختلف و دوشادوش مردان، به خدمات ارزنده به مکتب و جامعه و خانواده خود مشغول گردید. و از آنجا که قانون اساسی در ایران از قوانین اسلامی نشأت گرفته، لذا تمامی حقوق اسلامی بانوان مورد توجه قانون اساسی ایران قرار گرفته است و از آنجا که یک قانون، زمانی تام و تمام و کامل است که منطبق بر فطرت و نیازهای مادی و معنوی انسانها باشد،

لذا قوانینی در مجلس شورای اسلامی در رابطه با کار بانوان به تصویب رسیده که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

در اصل بیست و یک قانون اساسی آمده است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمیت فرزندان به مادران شایسته در جهت حقیقت آنها در صورت نبود ولی شرعی. از جمله قوانینی که در مورد بانوان در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده عبارتست از:

- ۱- قانون بیمه وقت بانوان، به این معنی که چنانچه بانویی به هر دلیل نتواند تمام وقت را کار کند، بتواند از این قانون استفاده کرده، نیم وقت دیگر خود را به کار خصوصی خود بپردازد.
- ۲- قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست. توضیح: (تضمین بیمه رفاه زنان و کودکان بی سرپرست).
- ۳- قانون معافیت زنان متاهل پزشک و دندانپزشک و داروساز برای گرفتن پروانه دائم از رقتن به خارج از تهران.
- ۴- تصویب نامه درباره تبدیل رتبه قضایی بانوان به رتبه اداری.

توضیح: (اگر زنی که در وزارت دادگستری مشغول به کار است، درخواست انتقال به وزارتخانه دیگر را نمود، باید رتبه قضایی او به رتبه اداری تبدیل شود و به

هیچ وجه نباید از مجموعه حقوق و مزایای رتبه قضایی منتقلین چیزی کاسته شود.

۵- اصلاحات به عمل آمده در قانون طلاق.

۶- قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها.

• • •

و اما نظری گذرا داشته باشیم بر نتیجه عملی این مکاتب. و چون ایران بعد از انقلاب اسلامی دارای قانونی است نشأت گرفته از اسلام، لذا ما تنها در آمار آنچه که به مقایسه می‌گذاریم، ایران را به عنوان کشوری که قانون الهی بر آن حاکم است (البته با توجه به عمر دوازده ساله انقلاب اسلامی در ایران) در مقایسه با بعضی از کشورهای غیر اسلامی که قانون غیر الهی بر آنان حکومت می‌کند، قرار می‌دهیم و قضاوت را در این مقایسه به خوانندگان محترم می‌سپاریم.

جرایم:

در کشور ژاپن در سال ۱۹۸۸ برای هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر ۱۱۳۴ مورد جرم ثبت شده است، در حالی که در همین سال در ایران برای هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر ۸۳ مورد جرم وجود داشته است.

طلاق:

در کشور فرانسه (۲۴) در سال ۱۹۷۲ به ازای هر ۱۰۰ مورد ازدواج، ۱۳/۱ مورد طلاق واقع شده است. این نسبت در سال ۱۹۸۴ به ۲۹/۱ مورد طلاق برای هر ۱۰۰ مورد ازدواج رسید. به عبارتی دیگر در سال ۱۹۷۲ تعداد طلاق در کشور فرانسه ۴۱۷۳۸ مورد بوده است و در سال ۱۹۸۴ به ۴۰۳۹۰۵ مورد افزایش یافته است. یعنی در مدت ۱۲ سال بیش از ۲۳۰٪ افزایش داشته است. در حالیکه در ایران در سال ۱۳۵۵ تنها ۱۱٪ از زوجها به طلاق انجامیده و این درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۴٪ رسید. یعنی میزان طلاق در دوره بعد از انقلاب کاهشی محسوس نشان می‌دهد و این به رغم افزایش جمعیت شهرنشین کشور (بیش از ۵۰٪) می‌باشد که معمولاً پدیده طلاق در این نوع جوامع بیشتر رواج دارد.

• در زمانی که مجموعه عوامل کوشش می‌کردند تا بنیان ارزشی و معنوی اسلامی را در ارتباط با زن سست و لرزان سازند، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با ارائه نظرات ناب محمدی در صدد دفاع از حریم مقدس زن در صحنه‌های مختلف برآمد.



در ایران ۱/۳ شاغلین زن هستند که از این تعداد، ۸۰٪ آنها در سه نهاد بهداشت و درمان و آموزش عالی و آموزش و پرورش مشغول به کار هستند. از این آمار معلوم می‌شود که تمرکز فعالیت بانوان در ابعاد تخصصی بیشتر از کارهای دیگر است. و افزایش فعالیتهای تخصصی بعد از انقلاب ۴۰٪ می‌باشد.

زن و تحصیلات عالی:

در کشور انگلستان در سال ۱۹۸۰، ۵۰٪ فارغ التحصیلان رشته پزشکی را زنان تشکیل می‌دادند؛ اما تنها ۹٪ آنان دارای مطب برای ویزیت، ۱۸٪ مسئول بخش و ۲۱ درصد مسئول زیر بخش در بیمارستانها بودند. شایان ذکر است که در این کشور ۶۰٪ اساتید رشته های پزشکی را زنان تشکیل می‌دهند، که در بین آنها تنها ۳۸٪ از پست های سازمانی کادر بالای آموزش به عهده زنان می باشد.

در ایران، ۴۴٪ دانشجویان رشته پزشکی را زنان تشکیل می دهند.

زن و آموزش و پرورش:

درصد دختران دانش آموز در ایران در هر یک از دوره های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال ۱۹۸۵، برترتیب عبارت است از: ۴۳/۶، ۳۸/۷، ۴۴/۵، که این درصدها در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی، بسیار نزدیک می باشد و در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، مانند آمریکا، آمریکای جنوبی، آسیای شرقی، آسیای جنوبی برساتب، فزونی نشان می دهد. به عنوان مثال در همین سال، ۴۴/۵ درصد دانش آموزان دوره متوسطه ایران را دختران تشکیل می دادند. این درصد برای کشورهای پیشرفته، ۴۵٪ و برای کشورهای در حال توسعه ۳۶٪ و بالاتر، برای آمریکا تنها ۳۰٪ بوده است.

زن و سواد:

در سال ۱۳۵۵، ۳۶٪ از کل باسوادان کشور ما را زنان تشکیل می دادند. این درصد در سال ۱۳۶۵ به حدود ۴۲٪ رسیده است، و با توجه به برنامه های مبارزه



زن و سیاست:

در حال حاضر از ۴۹۱ نماینده پارلمان فرانسه تنها ۲۸ نفر آنان زن می باشد با توجه به اینکه اخیراً دویستمین سال انقلاب خود را جشن گرفته اند. و ایران از ۲۷۰ نماینده، ۴ نماینده زن دارد، در حالی که تنها ۱۲ سال است انقلاب کرده است.

زن و کار:

در کشور آلمان در سال ۱۹۷۸، ۵۴٪ کارمندان بخش عمومی را زنان تشکیل می دادند، اما تنها ۱۰٪ پست های بالای سازمانی را در اختیار زنان قرار داده بودند.

با بیسودی که هم اکنون در کشور اجرا می شود، بزودی سهم زنان در مجموع پاساژان کشور به ۵۰ درصد می رسد، که سهم زن در کل جمعیت کشوری باشد. با توجه به آمار می توان به موارد ذیل نیز اشاره داشت:

دومیلیون زن فرانسوی از طرف شوهر یا دوست یا نامزد مورد تمهیدی قرار گرفته اند که بین ۶۰ تا ۷۰ سال سن داشته اند. در سال ۱۹۸۳ در کل فرانسه ۱۳۵۰۰۰ نفر مادر مجرد داشته ایم و در هر سال ۵۰۰۰۰ بچه بی پدر متولد می شود که ۴۰٪ مادرها کمتر از ۲۰ سال دارند و هیچوقت این مادران رغبت برای قانونی کردن فرزندانشان نشان نمی دهند.

این آمار از کتاب گید (Robert Laffont) تاریخ انتشار ۱۹۸۸ گرفته شده است. تعداد زنان مجرد در سال ۱۹۸۵ در کشور فرانسه ۵ میلیون و ۴۲۴ هزار و ۱۲۰ نفر بوده است. در سال ۱۹۸۵، ۱۲۳۶۳ مورد خودکشی در فرانسه ثبت شده که ۸۸۰۴ مرد و ۳۵۵۹ زن می باشند. و نرخ خودکشی برای هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۲، ۲۲/۵ مورد مرد بوده و ۱۱/۴ از اینها زن بوده است. آمار خودکشی در کشورهای مختلف مربوط به سال ۱۹۸۲ برای هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر به تعداد ذیل است، که در رابطه با افراد ۱۵ سال به بالا است.

| کشور | مرد | زن |
|---------|------|------|
| آلمان | ۳۸/۸ | ۱۶/۲ |
| اتریش | ۵۶/۵ | ۱۷/۷ |
| بلژیک | ۳۸/۴ | ۱۸ |
| دانمارک | ۴۹/۸ | ۲۶/۲ |
| فرانسه | ۴۱ | ۱۴/۲ |
| انگلیس | ۱۵/۲ | ۷/۵ |
| نروژ | ۲۶/۲ | ۹/۲ |
| هلند | ۱۸/۱ | ۱۰/۹ |
| سوئیس | ۴۷/۱ | ۱۸/۴ |
| آمریکا | ۲۶/۱ | ۷/۶ |

در سال ۱۹۸۵ در کشور ژاپن ۲۳۵۸۹ مورد خودکشی گزارش شده که ۱۵۶۲۴ مورد آن مربوط به مردان بوده است. جالب توجه است که ۲۰٪ مردانی که اقدام به خودکشی کردند بیش از ۶۵ سال سن داشته اند.

ناگفته نماند که در ایران آمار بسیار پائین بوده، اصولاً قابل مقایسه با این کشورها نیست. آمارهای مربوط به ایران از سالنامه آماری سال ۵۵-۱۳۶۵ استفاده شده و آمارهای کشورهای دیگر از کتاب MEPIERS-AU-FEMININ از انتشارات پیونسکو می باشد.

زیر نویس ها:

- ۱- تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ص ۳۵۵
- ۲- انسان موجود ناشناخته، دکتر الکسی کارل
- ۳- کلیات آثار لافون، جلد ۲۰، ص ۲۹
- ۴- حقوق زن در اسلام و جهان، یحیی نوری
- ۵- آزادی، با اسارت زن، پرفسور فرخت
- ۶- حقوق زن از دیدگاه کمونیسم، کابیتالسم و اسلام، ص ۱۰
- ۷- زندگی روزمره، ص ۱۵، لوناچارسکی
- ۸- سوره مؤمنون، آیه ۱۲
- ۹- سوره مؤمنون، آیه ۱۱
- ۱۰- سوره نساء، آیه ۱
- ۱۱- سوره حجرات، آیه ۱۳
- ۱۲- سوره نور، آیه ۲۶
- ۱۳- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵
- ۱۴- سوره نساء، آیه ۳۲
- ۱۵- سوره نحل، آیه ۹۷
- ۱۶- سوره توبه، آیه ۷۲
- ۱۷- سوره توبه، آیه ۷۱
- ۱۸- سوره نور، آیه ۳۰
- ۱۹- سوره نور، آیه ۳۱
- ۲۰- سوره الممتحنه، آیه ۱۲
- ۲۱- سوره اسراء، آیه ۲۴
- ۲۲- سوره اسراء، آیه ۲۳
- ۲۳- سوره عنکبوت، آیه ۸
- ۲۴- آمار طلاق فرانسه - کتاب گید (quid) از انتشارات روبرت لافون (Robert Laffont) - صفحه ۱۵۳۶، خانواده - طلاق.